مروری بر مواضع مرحوم حاج سیداحمد خمینی در دوران ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی به مناسبت سالگرد درگذشت یادگار امام

یاد حریفان

■ امیرعلی زاهد ■

نزدیک یک سال است روزنامه «وطن‌امروز» درباره خطرات الیگارشی (خاندان‌سالاری) که توسط نومحافظه‌کاران در حال اجراست به جامعه هشدار داده است؛ درباره اینکه آنان در قالب سیاست‌های جدید در حال تغییر دادن ماهیت جمهوریت و اسلامیت نظام جمهوری اسلامی به ماهیت الیگارشیک و خاندان‌سالار هستند. آنان به این منظور به کمک قدرت‌های خارجی نیز دل‌بسته‌اند. اما در سخنان چندی پیش «هاشمی» این خاندان‌سالاری به وضوح خود را نشان داد. او تلاش کرد مردمی را که به فرمایش «امام خمینی(ره)» صاحبان اصلی کشور و انقلاب هستند بدهکار برخی خاندان‌های قدرت نشان دهد.

اما در این گزارش مقصود پرداختن به این خاندان‌سالاری که روح ایدئولوژی هاشمی را تشکیل می‌دهد نیست. هدف چیز دیگری است. هاشمی در آن سخنرانی ضمن آنکه از «شبه‌الناس» به امام خمینی(ره) سخن گفت تلاش کرد خود را یار این خانواده و رهرو راه امام نشان دهد. گذشته از مطالب متفاوتی که در آن سخنرانی وجود داشت این نوشته سعد تنها به یک موضوع مشخص خواهد پرداخت؛ رابطه «حاج احمد خمینی» و هاشمی‌رفسنجانی در دوران ریاست جمهوری او بین سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۲. این موضوع بسیار جای کار دارد و مهم است، زیرا فراتر از دعاوی باید دید روابط‌های عینی و تاریخی چه می‌گویند. اگرچه ممکن است برخی فراموشکار باشند و گذشته را فراموش کنند اما به یمن رسانه‌های جمعی واقعیت‌های تاریخی فراموش نمی‌شوند. دیروز به تاریخ پیوست و ۲۰ سال پیش هم. اما تاریخ هست و خواهد بود. گاهی مرور این حوادث تاریخی بسیار ارزنده است.

●●●

۱- اساس انحراف دولت هاشمی از نگاه حاج‌احمد

اگرچه حاج سیداحمد خمینی اصل سخنرانی‌های انتقادی خود علیه دولت هاشمی را در دهه ۷۰ ایراد کرد اما از همان آغاز دولت هاشمی نسبت به تغییر سیاست‌های کلانی که در دولت جدید رخ می‌داد حساسیت نشان داده و در انتقاد به آنها به‌طور ملایم‌تری سخن می‌گفت. مهم‌ترین انتقادی که حاج احمد خمینی از ابتدای دولت هاشمی بر آن روا می‌داشت تغییر نگاه فرهنگی به نگاه اقتصادی بود. او براساس نگاه امام معتقد بود با این تغییر است که مسیر انحراف از انقلاب و خط امام آغاز می‌شود. او مقدمات این افکار سیاست‌های جدید در حال تغییر دادن ماهیت جمهوریت و اسلامیت نظام جمهوری اسلامی به ماهیت الیگارشیک و خاندان‌سالار هستند. آنان به این منظور به کمک قدرت‌های خارجی نیز دل‌بسته‌اند. اما در سخنان چندی پیش «هاشمی» این خاندان‌سالاری به وضوح خود را نشان داد. او تلاش کرد مردمی را که به فرمایش «امام خمینی(ره)» صاحبان اصلی کشور و انقلاب هستند بدهکار برخی خاندان‌های قدرت نشان دهد.

حاج‌سید احمدخمینی با توجه به سیاست‌های دولت جدید انتقاد خود را به دلیل «انحراف از مسیر امام خمینی(ره)» توسط دولت جدید مطرح کرد. با اشکار شدن بخشی از این اختلاف‌ها در رسانه‌ها، خبرنگار «اشپیگل» از آیت‌الله هاشمی درباره نگرانی «یک جریان قوی» که احمد خمینی و «محتشمی‌پور» عضو آن هستند درباره انحراف از مسیر امام می‌پرسد. هاشمی اگرچه بروز برخی اختلاف‌ها را می‌پذیرد اما مسیر را ادامه راه امام در شرایط جدید بعد از جنگ معرفی می‌کند. او خود را وفادار به قانون برنامه ۵ ساله که تصویب مجلس را دارد معرفی می‌کند. هاشمی همچنین درباره این نظر که برخی از نشانه‌ها به‌عنوان «مرد عمل» می‌شناسد که می‌خواهید رویه‌ها را اصلاح کنید و ایران را از انزوای بعد از انقلاب خارج کنید چنین پاسخ می‌دهد که راه همان راه امام است.

(روزنامه جمهوری اسلامی، ۷۰/۱/۷، ص ۱۳)

آیت‌الله هاشمی در بهار سال ۱۳۷۰ در یکی از خطبه‌های نمازجمعه به برخی «نیروهای انقلاب» اعتراض کرد که آنها به گونه‌ای سخن می‌گویند که دل مردم را خالی می‌کنند و استکبار هم از آن بهره می‌برد. استیناطی که از این سخنان هاشمی در محافل سیاسی صورت گرفت این بود که هاشمی به سیداحمد خمینی انتقاد کرده است اما هاشمی در پاسخ به این مسأله چنین می‌گوید: «من اگر بخواهم کسی را مخاطب قرار دهم همان کس را نام می‌برم. مجبور نیستم طوری بگویم که مبهم باشد و حاج احمدآقا از دوستان و همکاران من است».

(روزنامه جمهوری اسلامی، ۷۰/۳/۱۱، ص ۱۳)

۲- «دگر» ایدئولوژی هاشمی در دوران ریاست‌جمهوری

در دوران ریاست‌جمهوری هاشمی در داخل کشور منتقد سازمان‌یافته قابل اعتنایی نبود که هاشمی درباره آنها ایدئولوژی‌پردازی کند. در واقع در این دوران «دگر» ایدئولوژی هاشمی بخشی از نیروهای انقلاب بودند که در دهه گذشته به جناح «چپ» یا «رادیکال» موسوم بودند. اگرچه در ایدئولوژی هاشمی در تقابل با این جریان تنها یک تقابل رقابتی (و نه خصمانه) در تفسیر انقلاب و اسلام وجود داشت اما در هر حال به دلیل قدرت این جبهه در میان نیروهای مذهبی و انقلابی، این اختلاف و رقابت مهم تلقی می‌شد. این اختلافات از همان آغاز دولت هاشمی آغاز شد و در مقاطع مهمی چون انتخابات مجلس چهارم و انتخابات مجلس خبرگان نمود بیشتری یافت. هاشمی آغاز این اختلاف‌ها را به زیاده‌خواهی این جریان نسبت می‌دهد که در زمان تشکیل کابینه نخست وی محقق شد. او در این‌باره می‌نویسد: «با اینکه اکثر وزرای پیشنهادی یا از جناح رادیکال‌ها بودند که سابقه وزارت در دولت سابق را داشتند یا نزدیک به افکار آنها بودند، این اختلاف به خاطر توقع زیادی آنها به دلیل این بود که سابقه وزارت در دولت موسوی، تقابل و اختلاف کاملاً جدی با حاکم کشورهایی چون عربستان سعودی، اردن، مراکش، مصر و نظیر آن هویت اسلامی خود را از اپوزیسیون می‌دید و به‌رغم داشتن نیمی از حدودی خود را از اپوزیسیون می‌دید و به‌رغم داشتن نیمی از کابینه به این مقدار قانع نبود» هاشمی می‌نویسد: این اختلاف‌ها زمانی بیشتر و تیزتر شد که «جناح چپ» در انتخابات مجلس چهارم شکست سختی خورد. او روزنامه سلام و مجله بیان را مهم‌ترین رسانه‌های این جریان در انجام انتقاد و ایجاد این فضا معرفی می‌کند.

(هاشمی‌رفسنجانی،۱۳۹۱: ۳۶ و ۳۷)

هاشمی بخشی از تیرگی روابط خود با افرادی که آنها را «ضران رادیکال» می‌نامد در مقطع انتخابات مجلس خبرگان می‌داند. او علت را این معرفی می‌کند که برای تأیید صلاحیت افراد رشته‌ها توسط شورای نگهبان قدامت موثری انجام نداده است. او می‌نویسد حاج احمد خمینی هم در این باره به او رجوع کرده بود.

(هاشمی رفسنجانی: ۱۳۹۲، ۲۹۴ و ۳۶۷)

در واقع جریانی که هاشمی رادیکال می‌نامد در دوران ریاست جمهوری هاشمی به این نتیجه رسید که دولت حاکم در پی کنار گذاشتن افراد وابسته به این جبهه از قدرت است، بویژه که سیاست‌های دولت جدید به طور عمیق با سیاست‌های دولت گذشته که آن را متعلق به خود می‌دانستند در تمام ابعاد سیاست داخلی، خارجی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تفاوت داشت. البته هاشمی اوایل اصل استقراض را انکار یا گاهی تلاش می‌کرد تعاریف جدیدی از آن ارائه کند یا آن را توجیه کند «اینکه آقایان می‌گویند چرا از اجرا ما زیر بار قرض خواهیم رفت اصلاً این نیست... ما به استقراض مستقیم اجازه نداده‌ایم. اگر استقراض باشد یا در آن ۷ میلیارد و نیم است که اجازه داده‌ایم یا در این طرح است که گفتم [عمدتاً سرمایه‌گذاری در نفت و گاز و دریاست]... اتفاقاً سیاست ما در اینجا این است که اول طرح‌های گذشته را تمام کنیم... ما الان ۵۰۰ میلیارد تومان طرح نیمه‌کاره داریم. می‌دانید ۵۰۰ میلیارد تومان تقریباً ۸ برابر بودجه امسال است که اینها همه در این برنامه باید تکمیل شود. ما ماندن اینها خیانت است؛ همان‌طور که ماندن آنها باعث خسارت شده است. ما به سال گزاف‌تر می‌دهیم. تورم ما الان اینقدر... ما سرمایه‌گذاری بدون نتیجه کردیم... به هر حال نگرانی از اینکه استقراض نداشته باشید. اسم استقراض را هم خواهش می‌کنم از پشت تریبون عمومی نبرید، این به ما امن استقراض نیست».

(روزنامه جمهوری اسلامی، ۶۸/۹/۱۸، ص ۱۰)

در واقع هاشمی می‌دانست واژه «استقراض خارجی» در فرهنگ سیاسی ایران از الفاظ منفور محسوب می‌شود که جامعه نسبت به آن حساسیت دارد، بنابراین از نمایندگان درخواست می‌کرد آن را در تریبون مجلس و رسانه‌های عمومی به کار نبرند. او که با اشاره به خاصیت ضدنوری استقراض به طور تلویحی اتخاذ این روش را می‌پذیرفت اما معتقد بود چون جامعه روی آن حساسیت دارد باید پنهان انجام داد و نام «استقراض» بر آن نگذاشت. استدلال کلی هاشمی این بود که نیمه‌تمام ماندن بسیاری از پروژه‌ها که موجب هدر بازگشت سرمایه شده است، عامل تورم است و استقراض این مسأله را هم حل خواهد کرد.

۳- انحراف از مسیر امام خمینی(ره)

کمتر از ۲ سال از ریاست‌جمهوری هاشمی می‌گذشت که می‌دانست که دولت مقید به برنامه ۵ ساله نخست است که تصویب آن در زمان امام خمینی(ره) نوشته شد، مجلس آن را تصویب کرد و دولت هم باید آن را اجرا کند. «ما همه مابد متعهد باشیم که چیزی بگوییم که دشمنان‌مان از آن بهره‌گیری نکنند، آن هم چیز خلاف حقیقت. حتی مسائل صحیح را هم که می‌خواهیم مطرح کنیم باید به‌گونه‌ای مطرح نماییم که قدرت انقلاب را تضعیف نکنیم و دل مردم را سرد نکنیم و مردم را در صحنه نگه داریم... اینهایی که ما داریم همه دخمنگزار خوبی هستند و در یک جایی می‌توانند کار کنند شکستن و پای درآوردن و بدنام‌کردن و بی‌دین جلوه دادن... همه گناه است و همه وسیله‌ای برای دشمنان می‌شود... این گناهان مثل گناهان فردی اخلاقی نیست. اینها گناه کبیره است که به بنیان انقلاب و بنیان ملیت و بنیان کشور آسیب می‌رساند... ما دشمنان اصلی‌مان را بشناسیم که آنها اکنون روی چه مسأله‌ای کار می‌کنند. آنها خط جدیدشان همین است که بگویند چون فلان و فلان رأی نیاوردند پس جمهوری اسلامی از خط امام کناره گرفته است و چرا این را می‌گویند برای اینکه در اینجا گفته شده... یکی از وسایل تبلیغ غربی‌ها این است که... همه روزنامه‌های دنیا همیشه تحلیل‌شان و مقالات و سیاست‌شان را باتوجه به مقالات مثلاً فلان روزنامه‌های آمریکایی یا فرانسوی و... بنویسند. شما در روزنامه‌های خودمان که انقلابی هم هستند می‌بینید هر روز چند مقاله از اینها چاپ می‌شود. بنابراین اینها به دنیا خوراک می‌دهند و همه روزنامه‌خوان‌ها اینها را می‌خوانند... اکنون حرف اینها این است که در ایران برای اینکه راه‌شان را با غرب باز کنند، تندروها را مردم کنار گذاشته‌اند چون مردم از زندگی انقلابی خسته شده‌اند و می‌خواهند با غرب زندگی کنند. و این حرف‌ها از کجا درمی‌آورند. از حرف‌های ما (منتقدان داخلی) درآورده‌اند. چرا که از این بدترش را هم در اینجا گفته‌ایم... ممکن است بسیاری از کسانی که این دادند از آدم‌هایی باشند که با این حرف‌ها دلسرد شدند... و ممکن است یک عده جوان را منحرف کرده باشند... (ما براساس برنامه ۵ ساله عمل می‌کنیم و اکنون) این برنامه برای اجرا آماده است. خوب کسانی هم هستند که این برنامه و سیاست را قبول ندارند، حق آنها هم هست که قبول نداشته باشند... آن وقت آدم بیاید و دائماً مسائل اصولی این برنامه را زیر سوال ببرد و زوایای برنامه را متهم کند به انحراف از خط امام، انحراف از حزب‌الله و... می‌نویسند دولت ایران با این انتخابات غربی شد، نامردها ما در هیچ زمان نگفته بودیم با کشورهای دنیا رابطه نمی‌خواهیم داشته باشیم، در زمان امام یک وقت بعضی از این افراد تند می‌گفتند که ما با دولت‌ها کاری نداریم، با ملت‌ها کار داریم و روابط ما با ملت‌هاست. امام فرمودند این چه حرفی است که شما می‌زنید. مگر می‌شود یک دولت یا دولت‌های دیگر رابطه نداشته باشد. ما همیشه گفته‌ایم ما با همه رابطه داریم و همکاری می‌کنیم اما این روابط ۳ طرفه است براساس منافع است و براساس استقلال است».

(روزنامه جمهوری اسلامی، ۷۱/۱/۲۹، ص۴ و ۱۵)

هاشمی معتقد بود این جریان تصویری «یک بعدی» و «سلیقه‌ای» از امام خمینی(ره) در جامعه ترسیم کرده است و به این دلیل باید با شکستن این تصویر مسلط از امام «تمام ابعاد شخصیتی ایشان بدون در نظرگرفتن سلیقه‌های شخصی و یک بعدی‌نگری به مردم شناسانده شود» هاشمی عملاً تصویر ذهنی می‌دانست که دولت مقید به برنامه ۵ ساله نخست است که اصول آن در زمان امام خمینی(ره) نوشته شد، مجلس آن را تصویب کرد و دولت هم باید آن را اجرا کند. «ما همه مابد متعهد باشیم که چیزی بگوییم که دشمنان‌مان از آن بهره‌گیری نکنند، آن هم چیز خلاف حقیقت. حتی مسائل صحیح را هم که می‌خواهیم مطرح کنیم باید به‌گونه‌ای مطرح نماییم که قدرت انقلاب را تضعیف نکنیم و دل مردم را سرد نکنیم و مردم را در صحنه نگه داریم... اینهایی که ما داریم همه دخمنگزار خوبی هستند و در یک جایی می‌توانند کار کنند شکستن و پای درآوردن و بدنام‌کردن و بی‌دین جلوه دادن... همه گناه است و همه وسیله‌ای برای دشمنان می‌شود... این گناهان مثل گناهان فردی اخلاقی نیست. اینها گناه کبیره است که به بنیان انقلاب و بنیان ملیت و بنیان کشور آسیب می‌رساند... ما دشمنان اصلی‌مان را بشناسیم که آنها اکنون روی چه مسأله‌ای کار می‌کنند. آنها خط جدیدشان همین است که بگویند چون فلان و فلان رأی نیاوردند پس جمهوری اسلامی از خط امام کناره گرفته است و چرا این را می‌گویند برای اینکه در اینجا گفته شده... یکی از وسایل تبلیغ غربی‌ها این است که... همه روزنامه‌های دنیا همیشه تحلیل‌شان و مقالات و سیاست‌شان را باتوجه به مقالات مثلاً فلان روزنامه‌های آمریکایی یا فرانسوی و... بنویسند. شما در روزنامه‌های خودمان که انقلابی هم هستند می‌بینید هر روز چند مقاله از اینها چاپ می‌شود. بنابراین اینها به دنیا خوراک می‌دهند و همه روزنامه‌خوان‌ها اینها را می‌خوانند... اکنون حرف اینها این است که در ایران برای اینکه راه‌شان را با غرب باز کنند، تندروها را مردم کنار گذاشته‌اند چون مردم از زندگی انقلابی خسته شده‌اند و می‌خواهند با غرب زندگی کنند. و این حرف‌ها از کجا درمی‌آورند. از حرف‌های ما (منتقدان داخلی) درآورده‌اند. چرا که از این بدترش را هم در اینجا گفته‌ایم... ممکن است بسیاری از کسانی که این دادند از آدم‌هایی باشند که با این حرف‌ها دلسرد شدند... و ممکن است یک عده جوان را منحرف کرده باشند... (ما براساس برنامه ۵ ساله عمل می‌کنیم و اکنون) این برنامه برای اجرا آماده است. خوب کسانی هم هستند که این برنامه و سیاست را قبول ندارند، حق آنها هم هست که قبول نداشته باشند... آن وقت آدم بیاید و دائماً مسائل اصولی این برنامه را زیر سوال ببرد و زوایای برنامه را متهم کند به انحراف از خط امام، انحراف از حزب‌الله و... می‌نویسند دولت ایران با این انتخابات غربی شد، نامردها ما در هیچ زمان نگفته بودیم با کشورهای دنیا رابطه نمی‌خواهیم داشته باشیم، در زمان امام یک وقت بعضی از این افراد تند می‌گفتند که ما با دولت‌ها کاری نداریم، با ملت‌ها کار داریم و روابط ما با ملت‌هاست. امام فرمودند این چه حرفی است که شما می‌زنید. مگر می‌شود یک دولت یا دولت‌های دیگر رابطه نداشته باشد. ما همیشه گفته‌ایم ما با همه رابطه داریم و همکاری می‌کنیم اما این روابط ۳ طرفه است براساس منافع است و براساس استقلال است».

(روزنامه جمهوری اسلامی، ۷۳/۳/۴، ص ۱۵)

هاشمی معتقد بود این جریان تصویری «یک بعدی» و «سلیقه‌ای» از امام خمینی(ره) در جامعه ترسیم کرده است و به این دلیل باید با شکستن این تصویر مسلط از امام «تمام ابعاد شخصیتی ایشان بدون در نظرگرفتن سلیقه‌های شخصی و یک بعدی‌نگری به مردم شناسانده شود» هاشمی عملاً تصویر ذهنی

مرحوم حاج سید احمد خمینی: بسیاری از نهادها و شرکت‌های دولتی برای افزایش درآمدهای کاذب خود، قیمت‌های واقعی و سود عادلانه عرضه نمی‌کنند. دولت و مسؤولان مبارزه با گرانفروشی اول باید به وضع شرکت‌ها و نهادهای دولتی رسیدگی کنند... ما از اول گفتیم که آزادی عمل سرمایه‌داران بزرگ و متکاثر کار را به اینجا خواهد رساند. کسی با کارهای زیربنایی و بازسازی زیرساخت‌های اقتصادی مخالف نیست، ما می‌گفتیم اجازه ندهید به این بهانه لجام‌گسیختگی اقتصادی حاکم شود، عده‌ای با شعار رفاه اقتصادی کار را به جایی رساندند که به همان نقطه اول تغییرات حکومتی برگشتیم

ضربانی که توسط خودمان طی چند سال اخیر به بدنه اقتصاد مملکت وارد آمده مهلک‌تر از توطئه‌های شرق و غرب است و اگر همه دشمنان انقلاب و نظام هم جمع می‌شدند نمی‌توانستند بلایی که خود ما بر سر پول ملی‌مان آوردیم بیاورند حالا سرریسید واهمای درباغی یکی پس از دیگری فرا می‌رسند و آقایان مدیرانی که طی سال‌های اخیر باسلامت‌ترین «فردا که نیامده است فردا مکن» و «روش مدیریتی «امروز را بگذران برای فردا خدا بزرگ است» به اداره کشور سرگم بوده‌اند، فشار کشورهای وام‌دهنده برای بازیس‌گیری وام‌های پرداختی را به جامعه منتقل کرده و یا... سوسیید، کاهش ارزش پول ملی، افزایش قیمت کالا و خدمات و عدم تزریق کافی ارزهای معتبر خارجی به بازار و صنایع می‌کوشند چک‌ها و سفته‌های مملکت را پاس کنند!

گسترش فساد اداری و رشوه‌خواری در ادارات و مؤسسات دولتی به خودمان برمی‌گردد. اتخاذ تصمیمات نابخردانه درباره ذخایر ارزی مملکت توسط خودمان بوده است. آقای دکتر «کاشان» (حاج اصغرآقا فخریه) در زمان تصدی پست معاونت ارزی بانک مرکزی مملکت در خزانه بانک رایز کرد و به هر دلال و قاچاقچی و چاقوکشی ۵ هزار دلار تقدیم کرد و روزانه میلیون‌ها دلار ذخایر ارزی بانک مرکزی را به جیب گنگسترها ریخت. آیا این نقشه تهی‌کردن خزانه توسط همین گنگسترها در آمریکای جنایتکار جلوی «حاج اصغرآقا» گذاشته بود یا به تصمیم‌گیری نابخردانه شخص و مربوط می‌شد؟ آیا این بابا رئیس و بزرگ‌ترین تاجر تا جلوی کار او را بگیرد؟ قیمت دلار را در بازار سیاه به حدود ۵۰۰ تومان رساند... بی سر و صدا قیمت دلار که آقایان قول داده بودند دور و بر ۱۰۰ تومان تثبیت شود به هزرهای ۵۰۰ تومان نزدیک می‌شود و چون قیمت ارزهای خارجی به صورت معیار اصلی تعیین قیمت برای انواع کالا و خدمات مورد نیاز مردم درآمده است مسلماً باعث افزایش مجدد قیمت‌ها... می‌گردد. آیا در این تصمیم‌گیری‌ها آمریکای جنایتکار اعمال نظر و نفوذ کرده. آیا در اختلاس کلانی هم که توسط گروهی از افراد قدرقدرت و صاحبنام از بانک صادرات صورت می‌گیرد و ۱۲۳ میلیارد تومان سوءاستفاده مالی می‌شود نیز آمریکا دخالت دارد؟... مدیر بلندپایه‌ای در وزارت معادن و فلزات با حجم بزرگی از بیت‌المال از کشور فرار می‌کند! آمریکا را مامجور کرده بود یک چنین شخص دزد و بی‌ایمانی را استخدام کنیم و امکانات عمومی را دمستش بدهیم؟! آیا نابسامانی در توزیع دارو و سرگردان کردن مردم در کوچه پس کوچه‌های ناصرخسرو ناشی از شیطنت استکبار جهانی است یا سوءمدیریت در ارگان‌های دارویی؟!»

حاج‌سید احمدخمینی با توجه به سیاست‌های دولت جدید انتقاد خود را به دلیل «انحراف از مسیر امام خمینی(ره)» توسط دولت جدید مطرح کرد. با آشکار شدن بخشی از این اختلاف‌ها در رسانه‌ها، خبرنگار «اشپیگل» از آیت‌الله هاشمی درباره نگرانی «یک جریان قوی» که احمد خمینی و «محتشمی‌پور» عضو آن هستند درباره انحراف از مسیر امام می‌پرسد. هاشمی اگرچه بروز برخی اختلاف‌ها را می‌پذیرد اما مسیر را ادامه راه امام در شرایط جدید بعد از جنگ معرفی می‌کند. او خود را وفادار به قانون برنامه ۵ ساله که تصویب مجلس را دارد معرفی می‌کند. هاشمی همچنین درباره این نظر که برخی از نشانه‌ها به‌عنوان «مرد عمل» می‌شناسد که می‌خواهید رویه‌ها را اصلاح کنید و ایران را از انزوای بعد از انقلاب خارج کنید چنین پاسخ می‌دهد که راه همان راه امام است.

(روزنامه جمهوری اسلامی، ۷۰/۱/۷، ص ۱۳)

آیت‌الله هاشمی در بهار سال ۱۳۷۰ در یکی از خطبه‌های نمازجمعه به برخی «نیروهای انقلاب» اعتراض کرد که آنها به گونه‌ای سخن می‌گویند که دل مردم را خالی می‌کنند و استکبار هم از آن بهره می‌برد. استیناطی که از این سخنان هاشمی در محافل سیاسی صورت گرفت این بود که هاشمی به سیداحمد خمینی انتقاد کرده است اما هاشمی در پاسخ به این مسأله چنین می‌گوید: «من اگر بخواهم کسی را مخاطب قرار دهم همان کس را نام می‌برم. مجبور نیستم طوری بگویم که مبهم باشد و حاج احمدآقا از دوستان و همکاران من است».

(روزنامه جمهوری اسلامی، ۷۰/۳/۱۱، ص ۱۳)

۴- «دگر» ایدئولوژی هاشمی در دوران ریاست‌جمهوری

در دوران ریاست‌جمهوری هاشمی در داخل کشور منتقد سازمان‌یافته قابل اعتنایی نبود که هاشمی درباره آنها ایدئولوژی‌پردازی کند. در واقع در این دوران «دگر» ایدئولوژی هاشمی بخشی از نیروهای انقلاب بودند که در دهه گذشته به جناح «چپ» یا «رادیکال» موسوم بودند. اگرچه در ایدئولوژی هاشمی در تقابل با این جریان تنها یک تقابل رقابتی (و نه خصمانه) در تفسیر انقلاب و اسلام وجود داشت اما در هر حال به دلیل قدرت این جبهه در میان نیروهای مذهبی و انقلابی، این اختلاف و رقابت مهم تلقی می‌شد. این اختلافات از همان آغاز دولت هاشمی آغاز شد و در مقاطع مهمی چون انتخابات مجلس چهارم و انتخابات مجلس خبرگان نمود بیشتری یافت. هاشمی آغاز این اختلاف‌ها را به زیاده‌خواهی این جریان نسبت می‌دهد که در زمان تشکیل کابینه نخست وی محقق شد. او در این‌باره می‌نویسد: «با اینکه اکثر وزرای پیشنهادی یا از جناح رادیکال‌ها بودند که سابقه وزارت در دولت سابق را داشتند یا نزدیک به افکار آنها بودند، این اختلاف به خاطر توقع زیادی آنها به دلیل این بود که سابقه وزارت در دولت موسوی، تقابل و اختلاف کاملاً جدی با حاکم کشورهایی چون عربستان سعودی، اردن، مراکش، مصر و نظیر آن هویت اسلامی خود را از اپوزیسیون می‌دید و به‌رغم داشتن نیمی از کابینه به این مقدار قانع نبود» هاشمی می‌نویسد: این اختلاف‌ها زمانی بیشتر و تیزتر شد که «جناح چپ» در انتخابات مجلس چهارم شکست سختی خورد. او روزنامه سلام و مجله بیان را مهم‌ترین رسانه‌های این جریان در انجام انتقاد و ایجاد این فضا معرفی می‌کند.

(هاشمی‌رفسنجانی،۱۳۹۱: ۳۶ و ۳۷)

هاشمی بخشی از تیرگی روابط خود با افرادی که آنها را «ضران رادیکال» می‌نامد در مقطع انتخابات مجلس خبرگان می‌داند. او علت را این معرفی می‌کند که برای تأیید صلاحیت افراد رشته‌ها توسط شورای نگهبان قدامت موثری انجام نداده است. او می‌نویسد حاج احمد خمینی هم در این باره به او رجوع کرده بود.

(هاشمی رفسنجانی: ۱۳۹۲، ۲۹۴ و ۳۶۷)

در واقع جریانی که هاشمی رادیکال می‌نامد در دوران ریاست جمهوری هاشمی به این نتیجه رسید که دولت حاکم در پی کنار گذاشتن افراد وابسته به این جبهه از قدرت است، بویژه که سیاست‌های دولت جدید به طور عمیق با سیاست‌های دولت گذشته که آن را متعلق به خود می‌دانستند در تمام ابعاد سیاست داخلی، خارجی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تفاوت داشت. البته هاشمی اوایل اصل استقراض را انکار یا گاهی تلاش می‌کرد تعاریف جدیدی از آن ارائه کند یا آن را توجیه کند «اینکه آقایان می‌گویند چرا از اجرا ما زیر بار قرض خواهیم رفت اصلاً این نیست... ما به استقراض مستقیم اجازه نداده‌ایم. اگر استقراض باشد یا در آن ۷ میلیارد و نیم است که اجازه داده‌ایم یا در این طرح است که گفتم [عمدتاً سرمایه‌گذاری در نفت و گاز و دریاست]... اتفاقاً سیاست ما در اینجا این است که اول طرح‌های گذشته را تمام کنیم... ما الان ۵۰۰ میلیارد تومان طرح نیمه‌کاره داریم. می‌دانید ۵۰۰ میلیارد تومان تقریباً ۸ برابر بودجه امسال است که اینها همه در این برنامه باید تکمیل شود. ما ماندن اینها خیانت است؛ همان‌طور که ماندن آنها باعث خسارت شده است. ما به سال گزاف‌تر می‌دهیم. تورم ما الان اینقدر... ما سرمایه‌گذاری بدون نتیجه کردیم... به هر حال نگرانی از اینکه استقراض نداشته باشید. اسم استقراض را هم خواهش می‌کنم از پشت تریبون عمومی نبرید، این به ما امن استقراض نیست».

(روزنامه جمهوری اسلامی، ۶۸/۹/۱۸، ص ۱۰)

در واقع هاشمی می‌دانست واژه «استقراض خارجی» در فرهنگ سیاسی ایران از الفاظ منفور محسوب می‌شود که جامعه نسبت به آن حساسیت دارد، بنابراین از نمایندگان درخواست می‌کرد آن را در تریبون مجلس و رسانه‌های عمومی به کار نبرند. او که با اشاره به خاصیت ضدنوری استقراض به طور تلویحی اتخاذ این روش را می‌پذیرفت اما معتقد بود چون جامعه روی آن حساسیت دارد باید پنهان انجام داد و نام «استقراض» بر آن نگذاشت. استدلال کلی هاشمی این بود که نیمه‌تمام ماندن بسیاری از پروژه‌ها که موجب هدر بازگشت سرمایه شده است، عامل تورم است و استقراض این مسأله را هم حل خواهد کرد.

۳- انحراف از مسیر امام خمینی(ره)

کمتر از ۲ سال از ریاست‌جمهوری هاشمی می‌گذشت که می‌دانست که دولت مقید به برنامه ۵ ساله نخست است که تصویب آن در زمان امام خمینی(ره) نوشته شد، مجلس آن را تصویب کرد و دولت هم باید آن را اجرا کند. «ما همه مابد متعهد باشیم که چیزی بگوییم که دشمنان‌مان از آن بهره‌گیری نکنند، آن هم چیز خلاف حقیقت. حتی مسائل صحیح را هم که می‌خواهیم مطرح کنیم باید به‌گونه‌ای مطرح نماییم که قدرت انقلاب را تضعیف نکنیم و دل مردم را سرد نکنیم و مردم را در صحنه نگه داریم... اینهایی که ما داریم همه دخمنگزار خوبی هستند و در یک جایی می‌توانند کار کنند شکستن و پای درآوردن و بدنام‌کردن و بی‌دین جلوه دادن... همه گناه است و همه وسیله‌ای برای دشمنان می‌شود... این گناهان مثل گناهان فردی اخلاقی نیست. اینها گناه کبیره است که به بنیان انقلاب و بنیان ملیت و بنیان کشور آسیب می‌رساند... ما دشمنان اصلی‌مان را بشناسیم که آنها اکنون روی چه مسأله‌ای کار می‌کنند. آنها خط جدیدشان همین است که بگویند چون فلان و فلان رأی نیاوردند پس جمهوری اسلامی از خط امام کناره گرفته است و چرا این را می‌گویند برای اینکه در اینجا گفته شده... یکی از وسایل تبلیغ غربی‌ها این است که... همه روزنامه‌های دنیا همیشه تحلیل‌شان و مقالات و سیاست‌شان را باتوجه به مقالات مثلاً فلان روزنامه‌های آمریکایی یا فرانسوی و... بنویسند. شما در روزنامه‌های خودمان که انقلابی هم هستند می‌بینید هر روز چند مقاله از اینها چاپ می‌شود. بنابراین اینها به دنیا خوراک می‌دهند و همه روزنامه‌خوان‌ها اینها را می‌خوانند... اکنون حرف اینها این است که در ایران برای اینکه راه‌شان را با غرب باز کنند، تندروها را مردم کنار گذاشته‌اند چون مردم از زندگی انقلابی خسته شده‌اند و می‌خواهند با غرب زندگی کنند. و این حرف‌ها از کجا درمی‌آورند. از حرف‌های ما (منتقدان داخلی) درآورده‌اند. چرا که از این بدترش را هم در اینجا گفته‌ایم... ممکن است بسیاری از کسانی که این دادند از آدم‌هایی باشند که با این حرف‌ها دلسرد شدند... و ممکن است یک عده جوان را منحرف کرده باشند... (ما براساس برنامه ۵ ساله عمل می‌کنیم و اکنون) این برنامه برای اجرا آماده است. خوب کسانی هم هستند که این برنامه و سیاست را قبول ندارند، حق آنها هم هست که قبول نداشته باشند... آن وقت آدم بیاید و دائماً مسائل اصولی این برنامه را زیر سوال ببرد و زوایای برنامه را متهم کند به انحراف از خط امام، انحراف از حزب‌الله و... می‌نویسند دولت ایران با این انتخابات غربی شد، نامردها ما در هیچ زمان نگفته بودیم با کشورهای دنیا رابطه نمی‌خواهیم داشته باشیم، در زمان امام یک وقت بعضی از این افراد تند می‌گفتند که ما با دولت‌ها کاری نداریم، با ملت‌ها کار داریم و روابط ما با ملت‌هاست. امام فرمودند این چه حرفی است که شما می‌زنید. مگر می‌شود یک دولت یا دولت‌های دیگر رابطه نداشته باشد. ما همیشه گفته‌ایم ما با همه رابطه داریم و همکاری می‌کنیم اما این روابط ۳ طرفه است براساس منافع است و براساس استقلال است».

(روزنامه جمهوری اسلامی، ۷۱/۱/۲۹، ص۴ و ۱۵)

هاشمی معتقد بود این جریان تصویری «یک بعدی» و «سلیقه‌ای» از امام خمینی(ره) در جامعه ترسیم کرده است و به این دلیل باید با شکستن این تصویر مسلط از امام «تمام ابعاد شخصیتی ایشان بدون در نظرگرفتن سلیقه‌های شخصی و یک بعدی‌نگری به مردم شناسانده شود» هاشمی عملاً تصویر ذهنی اعلام می‌کند و درباره آن چنین می‌گوید: «اینجانب چند سال قبل هشدار دادم که مذاکره با سرمایه‌داران بزرگ برای به گردش در آوردن چرخ اقتصاد کشور، خطر بزرگی برای انقلاب است. امروز هم سرمنشأ گرانی و اخلال در امور را نفوذ سرمایه‌داران بزرگ در سیاست‌ها می‌دانند. سرمایه‌داران وابسته به خارج هستند بشدت بر خورد کنیم. آنها کسانی هستند که خود و آیادی متخصص‌شان در رشته‌های مختلف در ارگان‌های اقتصادی، فرهنگی و دانشگاهی تفاوت کرده‌اند و در موارد‌ی با نفوذ در دستگاه‌های دولتی، عملکرد انقلابی نظام و فرزندان آن را زیر سوال می‌برند. در کارخانه‌ها و ادارات، همه تلاش خود را می‌کنند تا مردم را نسبت به نظام اسلامی بدبین کنند... باید مشکلات و نارسایی‌های اقتصادی و فرهنگی را ریشه‌یابی کرد و قبل از آنکه مشکلات به معضل حاد و ریشه یک جامعه تبدیل شود، به فکر چاره باشیم».

(روزنامه اطلاعات، ۱۹ مهر ۷۳، ص ۲)

۷- نقدهای چندگانه سیداحمد خمینی؛ از عدم آزادی بیان تا بازگشت سرمایه‌داری

حاج‌احمد خمینی پس از نقد مطالب چند روز گذشته هاشمی رفسنجانی به تعداد دیگری از تجولات این دوره نیز انتقاد می‌کند. او به گسترش فساد اداری و اخذ رشوه در ادارهای دولتی انتقاد می‌کند. بازگرداندن سرمایه‌داران که بعد از انقلاب از کشور خارج شدند را به نقد می‌کشد. از پیأس نیروهای مذهبی بر اثر سیاست‌های غیرانقلابی دولت هاشمی‌رفسنجانی سخن می‌گوید و به عدم «آزادی بیان» و نبودن شرایط مناسب برای نقد دولت حتی